

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ اگست ۲۰۲۲

زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب! (۷)

سه شنبه - ۰۱ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: کمکهای تسلیحاتی همزمان با حذف طالب ستیزان!

همان طوری که در قسمت های نخست این سلسله به نقل از استاد "موسوی" یاد آور شدم، امپریالیسم امریکا و شرکاء از همان آغاز حملات نظامی شان گویا علیه "امارت اسلامی" آن زمان، با عملیات های "تارومارکننده" به جای "محاصره و سرکوب" در عمل فضائی را به وجود آوردند تا طالب را از خشم و قهر و انتقام مردم افغانستان و نابودی محتوم آنها در دریای خشم و نفرت توده های میلیونی کشور نجات داده، برای فردا ها ذخیره نمایند. کمکهای نظامی امپریالیسم امریکا و شرکاء به همین یک مورد محدود نمانده، در جریان سالهای بعدی ابعاد دیگری نیز به خود گرفت که در اینجا فقط قسمت هائی از آن تذکار می یابد:

*- با در نظر داشت این که خود از همان آغاز برنامه استقرار مجدد طالب را در ذهن و پلانهای آینده شان داشتند، نخستین گامی که جهت آوردن موفقانه طالب برای بار دوم انجام دادند، برنامه خلع سلاح مجموع ملت بود. از آنجائی که در جریان و حین اشغال خونبار افغانستان به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء به صد ها هزار میل اسلحه مختلف النوع یا در دسترس مردم قرار داشت و یا هم در آن هرج و مرج به دست آورده بودند، در نتیجه اساسی ترین مشکل جهت یک انتقال آرام قدرت و حاکمیت به طالب، خلق مسلح بود که می توانستند با اتکاء به نیروی خودشان، این پلان امریکا و شرکاء را عقیم بسازند.

امپریالیسم امریکا و شرکاء با حرکت از همین واقعیت، برنامه خلع سلاح خلق افغانستان را از طریق خریداری سلاح های دست داشته مردم با میانجیگری دلالان و معامله گران اسلحه، مسهن و ناموس یعنی سران جهادی و قومندان ها آغاز نموده، با سوء استفاده از فقر و گرسنگی مردم و قیمت بالائی که برای خرید اسلحه می پرداختند، می شود گفت از ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۶ موفق شدند در برخی از مناطق مانند صفحات مرکزی، شمال، و شمال شرق یعنی مناطقی که بالقوه می توانستند علیه طالب تفنگ بردارند بیش از ۹۰ درصد سلاح های مردم را خریداری نمایند.

روی همین دلیل بود که وقتی طالب خلاف دوران اول حاکمیت شان، حرکات شان را از شمال کشور آغاز نمودند و با چراغ سبز حاکمیت پوشالی و نیروهای اشغالگر همراهی شدند، باشندگان آن مناطق با دستن خالی قادر نبودند تا به دفاع از خود پرداخته، گروپهای تا آن زمان کوچک طالب را سرکوب و نابود نمایند.

* - ادامه عملیاتهای جنگ و گریز امپریالیسم امریکا و شرکاء با طالب، ضمن آن که به طالب اعتبار و توریته نظامی در مناطق مورد عملیات می داد، در برخی از موارد به صد ها میل تفنگ و سایر تسلیحات را نیز به بهانه فرار و عقب نشینی در اختیار طالب قرار می داد.

این حرکت که از همان آغاز مواجهه بین طالب و اشغالگران آغاز یافته بود، در دوران "غنی احمدزی" اوج بیشتری گرفته، زیر عنوان "عقب نشینی تکتیکی" نه تنها مناطق به علاقه داریها و ولسوالی ها و مراکز فرماندهی محدود نماند بلکه به مرور زمان تا ولایات و قول های اردو در حاکمیت پوشالی ارتقاء یافته به ده ها هزار میل از وسایل مبارزاتی و جنگی به طالب تسلیم داده شد.

یعنی طالبی که تا چندی قبل یک کلشینکوف و یا موتر سایکل تمام تجهیزاتش را می ساخت، در اثر سازشکاری های رسوای امپریالیستها و حاکمیت پوشالی به جدید ترین نوع تسلیحات و وسایل حربی با تفنگ های دوربین دار و شب بین و زره دار مسلح گردید.

* - انتقال ده ها و صد ها جنگجوی مسلح طالب با هلیکوپتر های نیروهای اشغالگر به صفحات شمال افغانستان، جهت بسط نفوذ طالب در افغانستان آنهم بعد از فرار مذبحخانه آنها در اواخر سال ۲۰۰۲ و اوپا سال ۲۰۰۲، کمک نظامی دیگری بود از جانب امپریالیسم امریکا و شرکاء به مثابه راز آشکار در تمام رسانه ها انعکاس یافته، "کرزی" مزدور را وادار ساخت جهت کتمان برنامه های امریکا، چند خیز و جست زده خود را مخالف آن روند نشان دهد.

* - سیاست حذف فزینی دشمنان و مخالفان طالب که خود نمی خواستند روی تضادی های قومی و خانوادگی با طالب، با آنها کنار آیند، یکی از سیاست های دیگری بود که امپریالیسم امریکا و شرکاء و حاکمیت پوشالی "کرزی" و "غنی احمدزی" از آن طریق طالب را تقویت نظامی نمود.

این حرکت که برای بار اول با کشتن "حاجی قدیر" آغاز یافت و با کشتن قومندانهای معروفی چون "داوود داوود"، "جبار قهرمان"، "رازق اچکزی" و قومندان غوربندی طرفدار "امر الله صالح" که با تأسف نامش را فراموش نموده ام، ادامه یافت، عملاً فضائی را به وجود آورد که وقتی طالب بعد از قرارداد ننگین دوحه وارد مناطق شد، هیچ فرد با توریته ای در آن مناطق وجود نداشت تا بتوانند به کمک مردم و بدون اتکاء به نیروهای حاکمیت پوشالی از مناطق شان دفاع نمایند.

هرگاه در چنین شرایطی کس و یا کسانی مانند "ظاهر قدیر" بر مبنای پدرکشتگی اش با طالب می خواست مستقل از حاکمیت پوشالی افراشد را به جنگ با طالب و یا داعش سوق دهد، امپریالیسم امریکا و شرکاء از یک سو و حاکمیت پوشالی از جانب دیگر چماق "جنایات جنگی" و "حقوق بشر" را به وسیله نهاد دست ساخت امپریالیسم به همین نام و عناصر بی وجدانی که در آنجا اشتغال داشتند و در هیچ گزارش آنها نام طالب و تعقیب رهبران آنها وجود نداشت، بالا برده، آن افراد را وادار به تمکین می نمودند. یعنی کشور ما مصداق کامل همان داستان سعدی در مورد "قوم نانجیب" که "سنگ ها را بسته و سگها را رها نموده بودند" شده بود.

* - آخرین کمکهای نظامی امپریالیسم امریکا و شرکاء به طالب جهت آوردن مجدد آنها فرمانهایی بود که به ارتش دست ساخت و منقاد خودشان صادر نمودند و آنها را از رویارویی با طالب منع نمودند.

این مسأله علی رغم تمام وضوح تا زمانی که جنرال "علی زی" آخرین "لوی درستیز" حاکمیت پوشالی در مصاحبه اش با "افغانستان انترنشنل" افشاء نموده بود صرف در حد یک افواه و حدس و گمان مطرح بود، مگر از زمانی که جنرال نامبرده در مصاحبه اش علناً ابراز داشت که فرماندهی قوای ائتلاف و شخص "جنرال مولر" امریکائی به آنها اجازه تقابل با طالبان و پیشروی های آنها را به بهانه احتراز از تحطئه موافقتنامه دوحه نمی داد و به آنها امر می نمود

که سلاح و امکانات و مناطق شان را به طالب بسپارند، از حد افواه و شایعه خارج شده، بیان حقیقتی است که چگونگی به قدرت رساندن طالب را بازگو می نماید.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!